

شکل معماری جدید منطقه قفقاز

زمانی که سیاست مداران روسیه و ترکیه آهنگ کار خود را فعال می سازند، در مطبوعات غربی فرضیه بسیار جالب در این خصوص بوجود آمد که ترکیه می تواند از ترکیب ناتو بیرون بیاید

سرویس ارمنستان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس ارمنستان : در اوائل سپتامبر تحولاتی صورت گرفتند که نشانگر توسعه فعال یکی از جهات ناشی از بحران روندهای سیاسی در گرجستان بودند. صحبت در مورد فعال شدن مناسبات روسی- ترکیه است که ارمنستان از اول در جایگاه پیشروی این روابط قرار گرفت. سفر برنامه ریزی شونده عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه به ایروان و مشورت‌های روسیه و ترکیه که در آستانه سفر برگزار می شوند، عملیات سمبولیک این سیاست جدید می باشد. سران ارمنستان و روسیه در تاریخ 2 سپتامبر در سوچی ملاقات کردند و وزیر امور خارجه روسیه در همان روز عازم آنکارا شد. اطلاعات در مورد همه این ملاقات‌های فعال به ایده پیمان امنیت و همکاری در قفقاز که از سوی ترکیه ارائه شده است، ارتباط داده می شود.

زمانی که سیاست مداران روسیه و ترکیه آهنگ کار خود را فعال می سازند، در مطبوعات غربی فرضیه بسیار جالب در این خصوص بوجود آمد که ترکیه می تواند از ترکیب ناتو بیرون بیاید. همزمان در ارمنستان صحبت‌های زیاد در مورد امکان گشایش خط آهن قارص- گیومری شنیده شدند. در ضمن مالکین روس قسمت ارمنی خط آهن به این گشایش آماده می شوند. در بستر دو واقعیت فوق فعالیت سیاسی روسی- ترکیه معنی بسیار جدی را بخود می گیرد.

واقعیت گشایش ارتباط خط آهنی از ترکیه به ارمنستان، آن هم در شرایط علاقمندی کامل روسیه به این مورد چه معنی می تواند داشته باشد؟ در درجه اول ارمنستان باید سعی کند جواب این سؤال را پیدا کند. در اینجا مسأله فقط آن نیست که بطور سنتی هر گونه قرارداد روسیه با ترکیه معمولاً بدون در نظر گرفتن دیدگاه و منافع ارمنستان امضا می شود و همچنین در آن است که تعیین خط مشی در جهت «ورود» ترکیه به منطقه قفقاز از طریق ارمنستان قطعاً تعادل ژئواستراتژیک منافع و امکانات کشورهای منطقه را عوض می کند.

بعبارت دیگر ارمنستان نه تنها به «دروازه قفقاز» تبدیل می شود بلکه همچنین ادعاهایی به هویت عامل «نظارتی- مدیریتی» در مناسبات همه کشورهای منطقه و همسایگان آن را نیز دارد. بدین ترتیب ورود بار راه آهنی از ترکیه به گرجستان و آذربایجان باید از طریق خاک ارمنستان انجام شود. خود گرجستان و آذربایجان برای بیرون آمدن از منطقه باید از ارمنستان «درخواست مجوز کنند». با توجه به اینکه خط آهن ارمنستان متعلق به روسیه است، ارمنستان برای صدور مجوز باید با روسیه مشورت کند. البته ارمنستان از موارد فوق زیاد ناراحت نخواهد شد. اما برای روسیه وضعیت ایجاد شونده باید «میوه آسمانی» باشد. مسأله نه فقط در آن است که واکنش روسی مستقیماً از طریق آذربایجان و ارمنستان به ترکیه خواهند آمد، بلکه همچنین در آن است که بدون مجوز روسیه هیچ کس در این اراضی راحت فعالیت نخواهد کرد. در اینجا سؤال بوجود می آید: این بستگی جدید به روسیه به چه درد ترکیه می خورد. آیا ترکیه همه مسائل با ارمنستان را دیگر حل کرده است؟ یا شاید حل این مشکلات در آینده نزدیک برنامه ریزی می شود؟

ساده ترین جواب این سؤال آن است که روسیه به ترکیه قول داده است که همه مشکلات آن با ارمنستان، از جمله مسأله قره باغ کوهستانی طبق تصورات ترکیه را حل خواهد کرد. البته در اینجا می تواند سؤال متقابل بوجود بیاید: روسیه در مسائل استانه‌های سابق گرجی از استقلال آنها حمایت کرده است. پس چطور می تواند در مسأله قره باغ کوهستانی برخورد کاملاً متناقض را نشان بدهد؟ البته در اینجا یادآوری می کنیم که روسیه اکنون سیاست در راستای احیای تمامیت ارضی ملداوی را انجام می دهد. روسیه بسیار راحت در موارد مشابه برخوردهای متفاوت را بکار می گیرد. بهمین علت ما در مورد سنت حل مسائل روسی- ترکیه به حساب ارمنستان صحبت کردیم. ارمنستان زمانی برای روسیه ارزش دارد وقتی مانع از نزدیکی با ترکیه نمی شود. اما وقتی چنین وضعیتی بوجود می آید... به احتمال قوی هیچ کس عادت انجام معامله به حساب دیگران را عوض نخواهد کرد. ارمنستان همیشه این را باید بخاطر داشته باشد. اما در هر صورت انجام نتیجه گیریهای سریع درست نیست: بررسی دیگر جوانب روابط روسی- ترکیه نیز لازم می باشد. شاید ترکیه استدلال جدی برای قربانی آزادی خود به پاس یک چیز خیلی مهم را دارد. در این صورت روابط روسی- ترکیه بدون معامله به حساب ارمنستان نیز توسعه خواهند یافت و «بستگی به روسیه» در قفقاز هم زیاد مهم نخواهد بود. دورنمای بیرون آمدن ترکیه از ناتو چه معنی می تواند داشته باشد؟ آیا دوستی با روسیه این ارزش را دارد؟ اگر مسأله کردی را بخاطر نیاوریم، جواب را دریافت نخواهیم کرد.

دیگران نیز در مورد مشکلات و رفتار ترکیه فکر می کنند. در شماره 2 سپتامبر روزنامه Wall Street Journal در مورد گرایش‌های ترکیه نوشته شده است: «ترکیه با ورود به ناتو در سال 1952 امید داشت که هرگز مجبور نخواهد شد بین پیمان و همسایه شمالی خود یعنی روسیه انتخاب کند... ریاست سیاسی و نظامی ترکیه طی چند سال اخیر در رابطه با تمایلات آمریکا به «ورود» به دریای سیاه ابراز نگرانی می کند... ترکیه استدلال‌های زیر را اعلام می کنند: «آمریکا می خواهد نوار ناتو در دریای سیاه را گسترش بدهد. این امر مانند عراق در اطراف ما هم هرج و مرج ایجاد خواهد کرد و بعد از بیرون آمدن آمریکا از منطقه ما مجبور خواهیم بود عواقب را رفع کنیم. بالاخره، اگر روسیه عصبانی شود، ما مجبور خواهیم شد با آن درگیر شویم و نه آمریکا بیهوا».

این نظر جالبی است. اما هرج و مرج احتمالی نمی تواند ترکیه را به تجدید نظر کامل سیاست خارجی خود وادار کند. در کل وضعیت سیاسی که بعد از ورود روسیه به خاک گرجستان و پذیرش آبخازیا و اوستیای جنوبی در دنیا ایجاد شده است، خطر بزرگ باید وجود داشته باشد. مانند همه آدم‌های عاقل در دنیا ترکها نیز درک کردند که قوانین بازی بین المللی در دنیا از این لحظه عوض شده اند. فردا حادثه گرجستان در ترکیه نیز می تواند تکرار شود. و در اینجا مهم نیست که چه کسی نسبت به کردهای ترکیه «سابقه کوزوو» بکار خواهد گرفت: روسیه یا آمریکا.

علت نگرانی ترکیه و آمادگی آن به انجام اقدامات قطعی بمنظور جلوگیری از هر گونه امکان توسعه تحولات نامطلوب برای خود در همینجا مشاهده می شود. آشکار است که همه تلاش‌های ترکیه در راستای جلوگیری از ادعاها به تمامیت ارضی خود انجام خواهند شد. برای این امر نه تنها دوستی با روسیه بلکه همچنین ایجاد پیمان برای حمایت از خود در صورت عملیات نه چندان مناسب آمریکا در منطقه نیز لازم می باشد. می بینیم که ترکیه اکنون همین کار را انجام می دهد. در غیر این صورت رئیس جمهور ترکیه با سفر تحقیق‌آمیز به ارمنستان موافقت نمی کرد. اکنون ادعاهای ترکیه نسبت به ارمنستان در مقایسه با خطرهای احتمالی خیلی کوچک شدند: در اینگونه وضعیت دشمن گاهی به ناجی تبدیل می شود.

وضعیت با این واقعیت نیز پیچیده می شود که سایه ایران بر منطقه افکنده شده است. اگر دقیقتر بگوئیم خطر انجام سیاست جدید آمریکا و روسیه در رابطه با این کشور بوجود آمده است. در رابطه با آمریکا آشکار است که ایالت متحده هرگز ایران را از فهرست دشمنان احتمالی سطح استراتژیک حذف نکرده است. اما اکنون شکل دیگر ساختارهای سیاسی

احتمالی مشاهده می شود.

طبیعتاً ترکیه از نزدیکی احتمالی روسیه با ایران نگران می شود. این کشور دائماً خطر آمریکایی را احساس می کند و طبیعی است که باید در مورد استفاده وضعیت جدید برای نزدیکی با روسیه فکر کند. طرفداران همکاری نزدیک استراتژیک ایرانی- روسی از امروز روسیه را به شکل دهی ساختار جدید امنیت منطقه ای با جلب عامل ایران بعنوان حلقه کلیدی این سیستم تحریک می کنند. حتی گاهی پیشنهاد ایجاد مثلث جالب روسیه- ایران- چین نیز مطرح می شود. همچنین ایده استقرار پایگاه روسی در خاک ایران و همچنین همکاری در زمینه سلاح هسته ای نیز پیشنهاد می شود. لذا پیچیده شدن روابط روسیه با آمریکا از سوی بسیاری بعنوان شانس جلب روسیه به برنامه های استراتژیک خود ارزیابی می شود. و همه فکر می کنند که بعضی از این برنامه ها می توانند اجرا شوند.

اتفاقی نیست که ایران تاکنون واکنش خودداری را به ابتکارهای ترکیه مربوط به ایجاد پیمان امنیت و همکاری در قفقاز نشان می دهد. احتمالاً آمیدی به ارائه ابتکارهای خود وجود دارد. در هر صورت عامل ایرانی در آینده نزدیک خود را نشان خواهد داد و این امر ترکیه را به فعالیت روند اجرای ابتکار خود وادار می کند. باید گفت که ایجاد مسأله ایرانی در سیاست جدید روسیه می تواند یک شانس دیگر برای ارمنستان ایجاد کند. نباید فراموش کنیم که یک مسیر راه آهنی دیگر از ایران به روسیه که اکنون بسته می باشد، نیز از خاک ارمنستان عبور می کند (جلفا- ایروان، جلفا- مغری- باکو). ایران دیگر مسیر راه آهنی به قفقاز ندارد. لذا در صورت توسعه مناسب تحولات نقش ارمنستان بعنوان «دروازه های قفقاز» می تواند بیشتر افزایش یابد. فقط باید عاقلانه عمل کنیم.

همه استدلالهای فوق نشان می دهند که منطق روندها در منطقه قفقاز در مقابل دگرگونیهای جدی قرار دارد. البته تصویر مناسبات جدید نه تنها به کشورهای منطقه بستگی دارد. اما موارد زیاد اکنون در دست کشورهای منطقه است. اجلاس اتحادیه اروپا که در تاریخ 1 سپتامبر برگزار شد، نشان داد که کشورهای اروپا اکثراً تمایل منزوی ساختن روسیه از طرحهای غربی را ندارند. بعبارت دیگر آنها نسبت به برنامه های روسیه در جهت جنوبی نیز می توانند برخورد بیطرف داشته باشند. همه چیز باقی مانده به سازندگی خود روسیه و همکاران جنوبی آن بستگی دارد.

پایان پیام.